

ایران در پرتو جنگ جهانی دوم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

کد مقاله: ۳۵۳۳۳

محمدهادی واعظ مهدوی^{۱*}، نادیا درویش^۲

چکیده

آوازه جنگ جهانی دوم از دیرباز تا بدین روز به‌عنوان خونین‌ترین جنگ تاریخ بشریت در سراسر جهان پیچیده است جنگی طاقت‌فرسا و بی‌سابقه که قریب به ۵۰ میلیون قربانی در گوشه گوشه جهان به‌جای گذاشت و خیل عظیمی از مردم نگون‌بخت را آواره‌ی دیار غربت نمود مضاف بر آن هزینه‌های جبران‌ناپذیری را به جهان تحمیل نمود جنگ جهانی دوم پس از جنگ جهانی اول آغازگر فصل تاریک و تلخ دیگری در تاریخ ایران و جهان گشت. ایران سرزمین آریایی‌ها که از کهن تا امروز عرصه رقابت ابرقدرت‌ها بوده در جنگ جهانی دوم نیز دچار نابسامانی‌هایی گشته است. حضور قدرت‌های استعمارگر بلاخص انگلیس و روسیه در نواحی شرقی ایران به سال‌ها قبل از آغاز جنگ جهانی اول در راستای رقابت آنان بر مسئله هندوستان بازمی‌گردد.

واژگان کلیدی: جنگ جهانی دوم، متفقین، اقتصاد ایران، ملی شدن نفت، صنعت ایران

۱- کارشناس ارشد، دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول)
m.hadi.vaezmahdavi@gmail.com

۲- کارشناس ارشد، حقوق بین‌الملل، دانشگاه علوم تحقیقات.

۱- مقدمه

با نواختن شیپور جنگ و پرتاب اولین گلوله آتش جنگ جهانی دوم، ایران بار دیگر مرکز تاخت‌وتاز متفقین واقع شد. با وجود اعلان بی‌طرفی ایران، دیری نپایید که شرق ایران کانون یورش نیروهای متفقین واقع شد. نخستین کارکرد شرق ایران در راستای تحقق اهداف متفقین استفاده از راه‌های مواصلاتی این منطقه برای ارسال تجهیزات و تسلیحات به شوروی بود اما آن‌سوی ایران شاهد کوچ دردآور مردم بی‌پناه به سایر مناطق بود. جنگ جهانی دوم ایران را در عرصه سیاسی، اقتصادی و صنعتی با چالش‌هایی روبرو کرد. پدیده جنگ جهانی دوم به لحاظ بسیط بودن در ژرف روند سیر صعود و سقوط قدرت‌ها و تکوین کشورها و نظام‌های نوین و ریشه‌کن نمودن برخی کشورها و نظام‌ها تأثیرات مهمی در زندگی ملت‌ها داشته است که در این میان ملت ایران از درخور داری از این تأثیرات سهمیم بوده است و ضربه سهمگینی بر پیکره ایران نهاد. هدف از پژوهش پیش رو پیامدهای ورود متفقین به ایران در جنگ جهانی دوم می‌باشد.

۲- پیشینه

۲-۱- بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی دوم و حمله متفقین به ایران

شیپور جنگ جهانی دوم با یورش آلمان‌های نازی به رهبری هیتلر به لهستان به صدا درآمد و دامنه آتش آن بیش‌ازپیش زبانه کشید جهان را مهوت و متحیر ساخت. یورش افسارگسیخته آلمان به شوروی حاکی از به صدا درآمدن زنگ خطر تسلط آلمان در این سرزمین بود این عمل آلمان نازی، واکنش دولت‌ها را برانگیخت به‌گونه‌ای که دشمنان و رقیبانی چون انگلیس، فرانسه و آمریکا به‌سوی دشمن دیرینه خود شوروی دست یاری دراز کردند و برای به‌زانو درآوردن آلمان از هیچ‌چیز فروگذاری نکردند استالین که چشم امید به چرچیل و متحدانش بسته بود در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۴۱ تقاضای ۳۰ هزار تن آلومینیوم و ماهی ۴۰۰ هوایما را داشت برای انتقال چنین مقدار زیادی بار راه ارتباطی مؤثری احتیاج بود مسیرهای مورمانسک، آخانگلسک، ولادی تسک، دریای سیاه، هندو افغانستان مورد بررسی متفقین قرار گرفت اما سرانجام راه خلیج فارس و مسیر ایران به دلیل گستردگی مرز با اتحاد جماهیر شوروی برگزیده شد.

در این صورت متفقین به آسانی آب خوردن می‌توانستند آذوقه، مواد خام، اسلحه را از هند و بنادر آسیای جنوب شرقی از طریق شاهراه‌های دریایی اقیانوس به خلیج فارس منتقل کرده و با استفاده از راه آهن سراسری ایران و مسیرهای شوسه آن را به مرزهای وسیع شوروی در شمال ایران اشغال کنند. هر چند در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۱۸ محمود جم نخست‌وزیر وقت دولت ایران در دولت پهلوی بی‌طرفی ایران در جنگ را اعلام نموده بود تا ایران را از شراره‌های آتش بزرگترین جنگ تاریخ بشر حفظ کند زیرا به اعتقاد رضا شاه ایران نه بدان اندازه قدرتمند بود که بتواند در جنگ شرکت کند و نه به اندازه ضعیف که اجازه دهد حقوقش پایمال گردد از این رو یک سیاست بی‌طرفی برای ایران ضرورت و برای قدرت‌های متحارب نیز ارزشمند بود. متعاقب بیانیه محمود جم علی اصغر حکمت وزیر کشور نیز به اتباع بیگانه آگاهی داد که از ابراز هر گونه احساساتی که منافی بی‌طرفی کشور ایران باشد جدا خود داری نماید خبر گذاری پاریس نیز در ۱۲ شهریور ۱۳۱۸ شمسی خبر بی‌طرفی ایران را مخابره کرد.

همچنین مظفر علم وزیر امور خارجه در ۱۳ شهریور ماه مراتب بی‌طرفی ایران را به اطلاع سفارت خانه‌های مستقر در تهران رسانید. جالب اینجاست که آلمان و انگلستان هر دو از این موضع استقبال کردند زیرا انگلستان به دلیل درگیری اش در منطقه توانایی برقراری امنیت را در این منطقه نداشت استدلال وزیر امور خارجه آلمان نیز از بی‌طرفی ایران چنین به نظر می‌آمد که آنچه از لحاظ سیاسی اهمیت ویژه ای یافته آن است که فعلا به تقویت ایران در بی‌طرفی کاملش ادامه داده شود.

اما آنچه سبب بروز نگرانی و تشویش در ایران شده بود انعقاد پیمان عدم تعارض بین شوروی در آلمان در ۲۳ اوت ۱۹۳۹ میلادی بود که هیتلر و استالین بر سر تقسیم اراضی لهستان و کشور های بالتیک به توافق رسیده بودند و ایران پیش بینی میکرد که شاید شوروی طی یک تفاهم محرمانه با آلمان درصدد بر آید موقعیت مسلط خود را بر ولایات شمالی ایران احیا کند. (زرگری، ۱۳۷۲: ۴۰۰)

به همین جهت رضاشاه بر آن شد به منظور کسب حمایت نظامی اقتصادی به انگلستان روی آورد. (زرگری، ۱۳۷۲: ۴۰۴) از دهه ۱۳۱۰ به بعد مبنای مبادلات سیاسی، اقتصادی ایران بر کشور آلمان استوار گردید و با روی کار آمون هیتلر رهبر حزب ناسیونالیست در ژوئیه ۱۹۳۳ و ۱۳۱۱ شمسی روابط ایران و آلمان وارد مرحله ی تازه ای گردید. باتبلیغات آلمانی ها در عرصه اشتراک نژاد آریایی دو ملت ایران و آلمان و وجه اشتراک اهداف دو دولت در مبارزه کمونیسم و امپریالیسم سبب محبوبیت آلمانی ها در میان ایرانیان شد؛ اما با انعقاد پیمان عدم تعرض میان شوروی و آلمان در ۱۳۱۸ مصادف با ۱۹۳۹ آلمانیها به پیروی از نفوذ شوروی در ایران تلاش کردند و حتی نفوذ خود در ایران را در درجه دوم اهمیت قرار دادند؛ هدف هیتلر از این کار این بود که استالین را از توجه به اروپای شرقی منحرف سازد (رک ریچارد استوارت، ۲۱)

اما وجود متخصصان زبر دست و ماهر آلمانی در بخش های اقتصاد و صنعت خود برگ برنده ای برای حضور متفقین به آلمان قلمداد شد. متفقین شش لشکر پیاده زرهی، شوروی تحت فرماندهی ژنرال واسیلی نوریکوف از سه منطقه وارد خاک ایران شدند، ستون اول از رود ارس گذشتند و بعد از تصرف جلفا، ماکو و خوی تاسواحل ارومیه پیشروی کردند و سپس متوجه ارومیه و تبریز

شدند و آن دو شهر را تصرف کردند. (ملک زاده و حامدی ۱۳۹۲، ۳۸) و سپس ستون دوم از آستارا و کرانه خزر به سوی بندر انزلی و اردبیل راهی شدند و پس از تصرف رشت و چند شهر مهم گیلان را تا حدود قزوین پیش روی و در آنجا با ستونی که از آذربایجان که وارد خاک ایران شده بود تلافی کردند. ستون سوم از طریق بندر شاه (بندر ترکمن اکنون) حمله کردند گرگان و مشهد را تصرف و تا گرمسار که مرکز تلافی راه آهن شمال به شرق بود پیشروی کردند در همان روز هواپیماهای شوروی تیریز رشت ارومیه و قزوین را بمباران کردند و روز بعد حومه تهران مرکز حمله آنان قرار گرفت و بر سر شهر اوراقی تبلیغاتی علیه آلمان ها و رضاخان فروریخت. حمله شوروی و پس از آن ورود بی سر و صدای انگلستان از ناحیه غرب و جنوب غربی در سوم شهریور ماه آن سال به سواحل ایران و اشغال آبادان و خرمشهر آتش جنگ را شعله ور کرد.

بعد از آن نیروهای هوایی انگلستان اهواز را بمباران کردند و تعدادی از هواپیماهای ایران را از کار انداخت در حمله ای دیگر تاسیسات نفت شهر را بدون برخورد با مقاومت جدی تصرف کردند و به سوی کرمانشاه پیش روی کردند. (مهدوی ۱۳۷۷_ ۷۳) در بحبوحه ی تهاجم متفقین بسیاری از فرماندهان لشکرها راه فرار در پیش گرفته و فقط در جنوب و غرب لشکرهای خوزستان و کرمانشاه تا حدودی مقاومت کردند. (ملک زاده_حامدی ۱۳۹۲_ ۳۷) نواحی شرقی ایران نیز از آتش جنگ در امان نبود در ۵ شهریور ماه مصادف با اوت ۱۹۴۱ مردم این بخش شاهد حضور قوای ارتش سرخ در خاک خود شدند. حملات بی امان متفقین از نقاط مختلف خوف و وحشت را بر پیکر رضا شاه و لشکر ۱۲۰ هزار نفری او وارد کرد حملات مهیب متفقین به جای جای ایران رضا شاه را به چاره اندیشی وا داشت از اینرو رضاخان از سفرای ایران در لندن_مسکو و واشنگتن خواست تا از دولت های یادشده تقاضا کند حملات خود را متوقف سازند و با وی وارد مذاکره شوند اما این اقدام نیز فاقد اثر گشت.

رضاخان به تصور اینکه آنان قصد مذاکره با رجبعلی منصور نخست وزیر وقت را ندارند محمدعلی فروغی را به این سمت برگزید که پیش تر مورد پسند انگلیسی ها بود طی مذاکراتی که با متفقین صورت گرفت در ۶ شهریور ۱۳۲۰ رضاشاه به کلیه واحد های ارتش دستوری مبنی بر ترک مقاومت داده و در ۸ شهریور نمایندگان دول متفق تقاضای دول متبوع خود را به شرح زیر به دولت فروغی اعلام کردند. اخراج کلیه ی اتباع آلمان به استثنای اعضای سفارت و چند نفر کارشناس آلمانی تعهد در تسهیل حمل و نقل اسلحه و مهمات و ادوات جنگی از راه ایران به روسیه در مقابل دو کشور انگلستان و روسیه تعهد داده بودند که حق السهم ایران را از نفت جنوب و عایدات ایران را از شیلات بپردازند و همچنین لوازم مورد نیاز اقتصادی را فراهم سازند و نیز جلوی پیشروی بیشتر نیروهای خودشان را بگیرند. (الموتی ۱۳۷۰_ ۳۲۰) به هر حال با ورود متفقین به ایران و بنابر به دستور رضاشاه در ۶ شهریور ارتشی که با آن همه تعریف و دبدبه و کیکبه و صرف نظر کردن هزینه های گزاف برای حمایت از سلطنت خود مهیا کرده بود به ناگهان از هم پاشید و جز مقاومتی اندک تاب مقاومت در برابر متفقین را نداشت. (مهدوی ۱۳۷۷_ ۳۹۷_ ۳۹۸) بنابر این جز تنها ۶۵۰ نفر از ارتش به ظاهر منسجم که مدت ها پیش لرزان شده بود سرنگون شد. (رحمانی ۱۳۷۷_ ۴۵) باشلیک اولین گلوله و شراره های آتش در ایران و تاخت و تاز افسار گسیخته نیروهای انگلستان و روسیه در جنوب و شمال کشور و فروپاشی ارتش بار دیگر لرزه و ترس بر تن ارتش رضاشاهی نشست و رضاخان بجای ضرب شست نشان دادن به دشمن و از ترس بمباران شوروی با اشغال آذربایجان ابتدا به قم گریخت و با کم شدن سرعت حرکت روس ها در شهرهای شمالی اندک جراتی به خود داد به تخت شاهی خود در تهران با هدف آرام ساختن اوضاع باز گشت در این مدت شهرهای شمالی ایران در معرض بمب های هوایی و توپ های زمینی ارتش روسیه قرار داشت. بازگشت رضاخان به تهران چیزی از آتش خشم مردم ایران نسبت به فرار او به قم نکاست و موجی از خشم و کینه را به دنبال داشت اینبار مردم ایران بر خلاف وطن پرستی نهادینه شده در هویت ایرانی به لحاظ نفرت شدید از رضاخان و ظلم و ستم او تمایلی به مقاومت در برابر هجوم بیگانگان را نداشتند و گرایش غالب بر این بود که قوای انگلیس و روس به منظور بر اندازی این دیکتاتور خشن و سرکوبگر بهره برند.

۲-۲- رضاخان در تنگنای استعفا در پر تو جنگ جهانی دوم

در تاریخ ۲۳ شهریور ماه ۱۳۲۰ اسمیرنوف ۴ سفیر شوروی و ریدربولارد وزیر مختار انگلیس با آگاهی از ذهنیت منفی مردم ایران نسبت به رضا شاه و عدم حمایت ملت از او عرصه را به او تنگ نمودند و به او اولتیماتیوم سه روزه دادند که تا تاریخ ۲۶ شهریور ماه از سمت خود استعفا دهند در غیر این صورت پایتخت را نیز اشغال می کنند.

هنگامی که روس ها به قزوین نزدیک شدند رضا شاه که در تلاش بود تا با هر هزینه ای با چنگ و دندان سلطنت خود را حفظ کند؛ بنابراین در بامداد ۲۴ شهریور ماه ۱۳۲۰ مصادف با ۱۵ سپتامبر ۱۹۴۱ فردی را نزد ریدر بولارد وزیر مختار سنگدل بریتانیا فرستاد تا او را به حفظ سمت شاهی خود راضی کند اما از آنجا که انگلیس در ۱۶ شهریور به این نتیجه رسیده بود که نگه داشتن رضا پهلوی دیگر به مصلحت نیست، بولارد نیز پاسخ فرستاد که هیچ راهی جز استعفا وجود ندارد شاه پهلوی که به جهت روحی و جسمی فرتوت شده بود چاره ای جز پذیرش استعفا نداشت و عاقبت امر به نفع محمدرضا پهلوی ولیعهد ۲۱ ساله اش استعفا داد و به اصفهان روانه شد و پس از اصفهان به جنوب گریخت و سرانجام با کسب تکلیف از بریتانیا دوران تبعید خود را در ژوهانسبورگ واقع در آفریقای جنوبی سپری نمود.

گرچه گوشه گوشه ی ایران به اشتغال متفقین درآمده بود و آرامش از کشور رخت بسته بود و استقلال رنگ باخته بود و قتل و غارت بر کشور چیره شده بود و عزت ملی سلب شده بود اما مردم از سقوط رضاخان خشنود و راضی بودند. فرار رضا شاه، اخراج متخصصان و کارشناسان آلمانی و تبلیغات فرهنگی و ایدئولوژیکی متفقین و مهاجرت بسیاری از مردم تحولات عظیمی بر معیشت ایران بر جای نهاد.

۲-۳- سلطنت ولیعهد و آتش خشم مردم

درآستانه ی برهه جنگ جهانی دوم و استعفای رضاخان محمدرضاشاه جوانکی بی تجربه ای که بازیچه دست متفقین بود و به تبع آن، هم مجالس و دولت‌های وقت و هم اشغالگران خارجی ایران را در وضعیتی بحرانی قرار داده بود. متفقین در کنترل و هدایت شاه جوان و خام با مشکلاتی جدی مواجه بودند. هم‌چنان که خود محمدرضاشاه که موقعیتش در رأس قدرت سخت آسیب‌پذیر می‌نمود، خود را پادشاهی دموکرات و علاقمند به سلطنت در چارچوب قانون اساسی و حامی حقوق و منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی مردم کشور قلمداد می‌کرد؛ بگذریم از این که این وضعیت مدت زمانی ادامه نیافت و محمدرضاشاه پهلوی، به سرعت، به هدف نقش‌آفرینی غیرقانونی در عرصه سیاست رسمی کشور، به جستجو و کسب منابع فراقانونی و نامشروع داخلی و خارجی روی آورد؛ و بجای همدردی با مردم و مسالمت‌اندیشی چشم به دهان انگلیس و آمریکا دوخته بود، اقدامات محمدرضا و خونسردی او در برابر خواسته های بیگانگان موجی از خشم و نارضایتی مردم را به دنبال داشت.

۲-۴- عملکرد ارتش پهلوی پس از ۱۳۲۰

بدین ترتیب در ارتشی که رضاخان فقط و فقط برای حفظ منافع خود به وجود آورده بود نوعی انشقاق پدید آمد و طی یک فرایند زمانی سه نوع طرز تفکر در مورد مسائل سیاسی، در میان نیروهای نظامی، به وجود آمد. از این رو، گروهی همچنان سلطنت‌طلب باقی ماندند و هیچ‌گاه به مراحل بعدی، یعنی نقد اوضاع، دست نیافتند؛ متأسفانه ایشان بخش اعظم نیروهای نظامی را تشکیل می‌دادند، اما عده‌ای پس از گذر از پرستش شاه به‌عنوان نماد سلطنت، به الگوهای دیگری از جمله آلمان هیتلری و شوونیسیم و سپس به نوعی ناسیونالیسم ایرانی دست یافتند. این عده اقلیتی به شدت متزلزل بودند؛ کم‌اینکه در بسیاری از حوادث و وقایع تاریخی، ایشان به راحتی زیر سایه گروه اول می‌خزیدند، به همین جهت در بسیاری موارد، تفکیک این دو گروه از یکدیگر کار بسیار دشواری است. در برابر سلطنت‌طلبها و ناسیونالیست‌های نظامی، گروهی که اغلب سابقه تفکرات شوونیسیتی و ناسیونالیستی داشتند، از ایدئولوژی ناسیونالیسم به انترناسیونالیسم روی آوردند و زمینه‌ساز گسترش اندیشه چپ در میان نظامیان گردیدند. (تاج عینی: ۱۳۸۵: ش ۵۲)

۳- تحلیل

۳-۱- وضعیت ایران در بخش صنایع و تجارت و غارت متفقین

در دوره جنگ جهانی دوم، علاوه بر مشکلات فزاینده اقتصادی که به اختصار بیان شد، در بخش صنعت هم ایران آسیب جدی دید و باعث شد که سهم صنعت در تولید ناخالص ملی را از ۱۸۰ میلیارد ریال در سال ۱۹۴۱ م / ۱۳۲۰ شمسی به ۱۵۰ میلیارد ریال ۱۹۴۵ م / ۱۳۲۴ شمسی کاهش دهد. به موجب اعداد و ارقام ارائه شده توسط فلور تعداد شرکتهای صنعتی در همین دوره از ۴۶۰ و سرمایه واحد ۶۳۵ واحد به صنعتی از ۵۲۷ میلیون ریال به ۱۵۰۶ میلیون ریال رسید و حتی داده‌های دیگر در زمینه صنعت نشانه کاهش مطلق یا نسبی بودن و ایجاد کارخانه‌های بزرگ و نوین در خلال جنگ افت شدیدی کرد و به سالی دو واحد کاهش یافت، در حالی که میانگین ایجاد کارخانه در دهه ۱۹۳۰ میلادی / ۱۳۶۰ شمسی ۸ واحد بود. (فوران: ۱۳۷۷: ۳۹۵-۳۹۶)

علاوه بر موارد فوق بافندگی که بخش عمده صنعت به حساب می‌آمد شدیداً تنزل پیدا کرد، چرا که مراکز جایگزین کردن قطعات یدکی کارخانه ها و نصب و راه اندازی ماشین‌های جدید به دلیل جنگ با مشکلات فراوانی روبرو بود. صنایع کارخانه‌هایی که ۱۳۱۰ در دهه شمسی از نظر وسایل و تجهیزات شدیداً به آلمان وابسته شده بود، آسیب سختی دید و صنایع دولتی به ورطه فراموشی سپرده شد. (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۹-۲۷) که دلیل این موضوع هم به خاطر نظرات آرتور میلسوی آمریکا یکی مشاور اقتصادی دولت بود. (الهی ۱۳۶۵: ۱۹۰)

دکتر میلسوی که طبق برنامه بیست ساله، کم‌کم‌های آمریکا را تشریح کرد و گفت: «ایران به دلیل موقعیت و مشکلات و احساسات دوستانه‌اش به ایالات متحده آمریکا به چیزی در حد یک کلینیک یا ایستگاه آزمایشی سیاست‌گذاری‌های بعد از جنگ رئیس‌جمهور آمریکا است و هدف رئیس‌جمهور، توسعه بخشیدن و برقراری ثبات در مناطق عقب افتاده است.» این اتفاقات باعث شد تا رکود صنایع جدید الاحداث، افزایش قیمت‌ها نگرانی مردم از کمبود کالا و اقدام به خرید و ذخیره سازی از نتایج مهم این وضعیت به شمار میرفت. (ملک زاده _ حامدی ۱۳۹۲: ۴۴)

وضعیتی که کاتوزیان شرحی دقیق و کوتاه بر آن دارد و عنوان کرد که: برآوردن نیاز نیروهای متفکین در زمینه خوراک، پوشاک، مواد خام، توتون و غیره با استفاده از سیاست پولی ویژه‌های ممکن شد که بر دولت ایران تحمیل و به کاهش شدید ارزش پول ایران و در نتیجه تورم فوق العاده و فزاینده‌انجامید.

در نتیجه کاهش ارزش ریال و به طبع آن گران تر شدن ارزهای خارجی، تراز بازرگانی ایران، به هم خورد و تورم بالا، فقر گسترده و فزاینده ی مردم ایران را به بار آورده و تامین نیازهای ریالی متفکین مستلزم افزایش انتشار و عرضه پول به میزان چند برابر و افزایش اعتبارات اعطایی به آنان بود که این نیز به سهم خود عامل مهم و مؤثر دیگری در افزایش تورم و فقر بود. از همه بدتر اینکه بر پایه توافق جداگانه با انگلیس و شوروی ۶۰ درصد از مازاد سالانه بازرگانی ایران با انگلیس و کل اعتبارات سالانه داده شده به شوروی تا پایان جنگ باز پرداخت نمی شد. به بیان ساده‌تر، کل قرضه یعنی کاهش ارزش پول، انتشار و عرضه اسکناس و اعطای وام را اعتبار به متفکین، دزدی مسلحانه از ملتی بسیار ضعیف و فقیر بود، چه ضرورتی داشت که متفکین ۱۰۰ درصد کاهش ارزش پول را بر ایران تحمیل کنند تا بهای کالاها و خدمات دریافتی از آن را به نصف بپردازند. اشغالگران پس از جنگ، کالا و خدمات خود را به دو برابر ارزش آن به ایران فروختند. (رحمانیان، ۱۳۹۳: ۳۵۷-۳۵۸)

بدین ترتیب مشکلات به وجود آمده در خلال جنگ جهانی دوم، افزایش بیکاری و فقر عمومی را به دنبال داشت که این خود مشکلات عدیده بسیاری را به وجود آورد. جنگ تمام کارهای عمرانی را متوقف کرده و باعث شده بود تا عده زیادی از مردم بیکار شوند و گرفتار سختی درآمد معیشتی گردند. در مورد هزینه‌های دولت نیز باید گفت: ابتدا افرادی که موقعیت و وسیله‌ای داشتند وارد دستگاه دولت شدند، مدتی نگذشت که عده کارمندان دولت چند برابر شد و قسمت عمده درآمد دولت صرف پرداخت حقوق کارمندان این نهاد گردید و وجوهی که می‌بایست صرف عمران و آبادی کشور شود، کارهای تولیدی ایجاد کند، بالای بیکاری را از بین ببرد، صرف پرداخت حقوق کارمندان شد. به طور اجمالی نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی دوم موجب اختلال وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران گشت که آثار و لطمات آن ادامه پیدا کرد و باعث شد تا مردم ایران دچار صدمات جبران ناپذیر شوند. (مکی _ ۱۳۱۵_ ۱۲۸) البته باید اذعان داشت که در مشکلات به وجود آمده علی‌الخصوص در بُعد اقتصادی نمی توان نقش تأثیرگذاری رضا شاه و پس از آن محمدرضاشاه را در تصمیم گیری‌های نابخردانه بی تأثیر دانست از آنها چشم پوشی نمود.

۳-۲- ایران در تنگنای اقتصاد

رخداد جنگ در تمام ممالک در تاریخ بشریت پیامدهای منفی اسفناکی را از خود بجای گذاشته است. پدیده ی جنگ آثاری چون فقر، مهاجرت، بیماری و... را به دنبال داشته است در دوره ی جنگ جهانی دوم ایران نیز با مشکلات عمده ی اقتصادی دست و پنجه نرم می کرد در این دوره وجود قحطی های مقطعی و بیماری های واگیر دار منجر به فوت برای جامعه ۱۵ میلیونی ایران فضایی بفرنج را به تصویر کشید. چرا که ایران صحنه ملاحظاتی نیروهای متفکین و خط تدارکاتی آذوقه و مهمات به شوروی شد. متفکین باینکه متعده شده بودند برای مردم مشکلی بوجود نیاورند اما بخش های کلیدی اقتصاد، کشاورزی، صنعت، خدمات بازرگانی خارجی و بودجه دولت را در اختیار خود گرفتند به همین علت سطح زندگی مردم که بر اثر اشغال ایران شدیداً آسیب دیده بود به وضع اسفباری درآمد. (فوران ۱۳۷۷_ ۳۹۵)

باین اوصاف مردم ایران به لحاظ اقتصادی وضعیت سختی را پشت سر می گذاشتند جنگ و تبعات اشغال از یک طرف، فقر، قحطی و بیماری از سوی دیگر عرصه را بر مردم ایران تنگ کرده بود. در بخش کشاورزی که ستون فقرات اقتصادی ایران بود و نزدیک به ۷۵ درصد نیروی کار را جذب کرده و ۵۰ درصد تولید ناخالصی داخلی را تامین می کرد دچار افت فاحش تولید شده بود و از تولید محصولات اساسی کشاورزی و پرورش دام در خلال اشغال ایران کاسته شد.

گندم و جو به میزان ۲۵ درصد پنبه ۳۹ درصد برنج ۱۰ درصد گاو ۹ درصد توتون و تنباکو ۷ درصد کاهش تولید پیدا کردند. (فوران ۱۳۷۷_ ۳۹۵) و فقط بخش های معدودی مثل پرورش اسب و گوسفند رشد نسبی داشتند که آن هم با فشار حکومتی رضاشاهی از ایالات و اسکان اجباری برداشته شد و موجب شد تا جمعیت ایالات و عشایر بیشتر شود. از یک فقر در سال ۱۳۲۰ افزایش یابد. (زهیری ۱۳۷۹_ ۱۳۲)

گسترش شکاف طبقاتی بین توده های فقیر و محروم جامعه و اقشار ممتاز و ثروتمند از مهم ترین پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم بود در اصل جنگ فرصت مناسبی در اختیار افراد طبقات بالا و متوسط جامعه قرار داد آنان که با کالا و اعتبار سرو کار داشتند از وضعیت موجود به نحوه مطلوب سود ببرند اما در مقابل این وضعیت به افراد طبقات پایین و کسانی که درآمد پایین داشتند لطمه زد. (مقصودی، ۱۳۸۰، ۳۲)

در این برهه از زمان جنگ باعث وسیع تر شدن شکاف موجود بین توده های فقر مردم و افزایش ثروت معدودی از افراد ممتاز جامعه شد. (کدی ۱۳۶۷، ۱۸۳)

در جامعه ایران اختلاف طبقاتی وجود داشت اما بروز عواملی مانند جنگ ایران این روند را تشدید می کرد و فرصت و بستر مناسبی را در اختیار افراد طبقات بالا قرار می داد. تا با استعمار مردم فقیر فاصله خود را با آنها افزایش دهند؛ بنابراین جامعه ایران طی سال های جنگ جهانی دوم دچار افراط و تفریط شده بود. ثروت و به دنبال آن قدرت سیاسی در دست عده ای معدودی متمرکز شده بود در حالیکه توده مردم در باتلاق فقر دست و پا می زدند. (میلپو ۱۳۷۰، ۱۱۰)

در این سال‌ها هر چند زحمت کشان ایران وارد جنگ نشدند اما از مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ رنج می‌بردند. در این دوران در اثر وضعیت ناشی از جنگ مواد اولیه زندگی به شکل تصنعی کمیاب بود و قیمت‌ها به چند برابر پیش از شهریور (ورود متفقین) افزایش یافت به این ترتیب خوراک و پوشاک طبقات مزد بگیر و زحمت کش به کیسه سوداگران بی‌وجدان و ماموران فاسد ریخته می‌شود به این شکل اندوه، نگرانی و گرسنگی مردم کم توان و زحمت کش را فراهم و در مقابل عیش و نوش زندگی پر تجمل نصیب دزدان بازاری و اداری می‌کرد، (جاوید بی تا ۱۰)

فقر و قحطی دامن جامعه ایران را تهدید می‌کرد کارگران بیش از همه دچار گرسنگی و فلاکت بودند. کشاورزان و کارمندان دولت در اوضاع بغرنجی بسر می‌بردند اما کارگران مزد روز محروم تر از همه بودند که جز چند ریال مزد بی ارزش درآمد دیگری نداشتند. زندگی آنان در کلبه‌ای خرابه با اندکی نان و لباس پاره در کنار بیماری خلاصه می‌شد این در حالی بود که در سایر نقاط جهان کشورها کارگران را در مقابل مخارج و معالجه بیماری بیمه کردند و در صورت مرگ مخارج بازماندگان را تأمین می‌کردند در ایران نه تنها کارگران از این مزایا محروم بودند بلکه دستمزد ناچیزی که برایشان در نظر گرفته بودند که غالباً پرداخت نمی‌کردند. (بیات و تفرشی ۱۳۷۰، ۲۰۴ _ ۲۰۵)

سفارت آمریکا در اوت ۱۹۴۲ برابر با شهریور ۱۳۲۱، درباره وضع زندگی کارگران ایرانی چنین گزارش داد: «دستمزدها بی‌گمان برای امرار معاشی که از زندگی خشک و خالی والاتر باشد بسنده نیست و برای کارگر معمولی روزانه چهار تا ده ریال است. می‌توان گفت که با این دستمزد یک لقمه نان سفید خریده می‌شود یا هر کارگر روزانه ۳ تا ۷ ریال باید برای خوراک خودش بپردازد. بدینسان دیده می‌شود که دستمزد برای حتی غذای یک خانواده بسنده نیست و بیشتر کارگران با خوراکی مرکب از چای، نان، پنیر و پیاز و گاه سبزی و انگور و هر یک چندی برنج و گوشت ارزان نیمه گرسنه به سر می‌برند. خرید جامه و حتی داشتن رویائی تجملاتی مانند به مدرسه رفتن کودکان کارگران میسر نیست. گاه تنها زن یا زنان متعدد مرد کارگر با کودکانشان برای تحصیل درآمد اضافی و فراهم آوردن امکان زندگانی اندکی مطلوب‌تر به کار می‌پردازند» (فلور، ۱۳۷۱: ۱۴۳ و ۱۴۴)

۳-۳- وضعیت کارگران تهرانی در جنگ جهانی دوم

در تهران کارگران عموماً در گودال‌های در جنوب شهر زندگی می‌کردند. از خاک این گودال‌ها برای تهیه آجر استفاده می‌کردند؛ اما به مرور زمان، مردم فقیر که عمدتاً از قشر کارگر بودند، در آنجا خانه‌های احداث کردند. به‌علت گرانی زمین‌های شهر، در این گودال‌ها زمین را متری ۸ تا ۱۰ ریال می‌خریدند و زاغه‌هایی احداث و در آنجا سکونت می‌کردند. یا اینکه اشخاص دیگری این زاغه‌ها را ساخته و به متقاضیان اجاره می‌دادند، در طول جنگ، حدود ۲۰ هزار نفر از کارگران بی‌بضاعت تهرانی در این گودال‌ها به وضع رقت‌آوری زندگی می‌کردند. (اطلاعات، ۱۳۲۲، ش ۵: ۱۵۵۵؛ ۱) متفقین نیز کارگران ایرانی را استثمار و از آنان برای تدارک جنگ استفاده می‌کردند. نزدیک به ۱۲۵ هزار کارگر ایرانی، در بخش‌های حمل‌ونقل و کارخانه‌های مختلف مونتاژ و مکان‌های دیگر با دستمزد بسیار ناچیز به خدمت متفقین درآمدند که این مبلغ را از بودجه دولتی ایران پرداخت می‌کردند. بدون تلاش این کارگران و سوءاستفاده از این نیروی عظیم، کمک‌رسانی به شوروی از طریق ایران غیرممکن بود. (زهیری، ۱۳۷۹: ۱۳۱)

علاوه بر آن ایران به کارخانه تولید اسلحه و تجهیزات جنگی متفقین تبدیل شده بود که حدود سی هزار کارگر و کارمند ایرانی برای حفظ و حراست و اداره راه آهن کار می‌کردند که مایحتاج زندگی و تمام مواد جنگی را از بندر خلیج فارس به سوی شوروی می‌بردند؛ و در تهیه نفت این ماده حیاتی برای متفقین تلاش می‌کردند (مرد امروز ۱۳۲۳ _ شماره ۱۹-۶) در آن زمان نیروهای اشغالگر تنها به اشغال مناطق وغارت ثروت کشور اکتفا نکردند بلکه بسیاری از افراد را به بیگاری گرفتند و از آنان به شدت کار می‌کشیدند با نزدیک شدن به دوران اتمام جنگ نیاز متفقین به کارگران ایرانی کشیدند آنان را بدون هیچ پشتوانه‌ای مرخص و رها کردند؛ برای مثال در قزوین حدود سه هزار نفر از کارگران در زمستان ۱۳۲۳ از کار بیکار شدند که عده‌ای از آنان هر روز دسته جمعی به فرمانداری شهر می‌رفتند و تقاضای کار می‌کردند. (تبرائیان ۱۳۷۱ _ ۵۸۱) علاوه بر آن کارگران کوشا و رنجور در شهرها از روستاییانی نیز بودند که به امید زندگی بهتر و شغل مناسب تر به شهرها مهاجرت می‌کردند اما به دلیل جذب شدن در کارخانه‌ها و نداشتن تجربه کاری به اجبار تن به گدایی، طفیلی‌گری، دست‌فروشی، دوره‌گردی و نوکری می‌دادند. این روستاییان به زندگی محدود درآمد ناچیز موقتی و توهین آمیز رضایت می‌دادند و روزگار را در حلبی‌آبادهای حومه شهرها سپری می‌کردند. (ازغندی _ ۱۳۷۹ _ ۱۵۰)

۳-۴- وضعیت روستائینان در جنگ جهانی دوم

در میان این عده‌ای از روستاییان، بسیاری از دهقانان و رعایا نیز تن به ترک روستا ندادند و در روستای خود با فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کردند حضور اشغالگران در خاک ایران روزهای تلخ و تیره‌ای را برای مردم ایران رقم زد به گونه‌ای که عده‌ای از روستائینان محتاج نانی برای سیر نمودن شکم فرزندان خود بودند و در برخی مواقع از روی ناچاری دزدی و راهزنی می‌کردند به‌عنوان مثال در تنگه دختر بین راه بوشهر به شیراز عده‌ای از رعایای گرسنه مانع از عبور کامیون حامل گندم شده و آن را غارت کردند. (روزنامه اطلاعات ۱۳۲۳ _ ش ۴: ۵۵۴۴) با راهزنی و دزدی و ترویج این کار نامنی بیش‌ازپیش بر کشور چیره

شد و این اقدامات در دوران جنگ جهانی دوم ضربه ی سنگینی بر پیکره اقتصاد مملکت وارد ساخت و زندگی را بر کام مردم تلخ نمود.

۳-۵- واکنش متفقین و ایران نسبت به طلای سیاه

در مراحل اولیه جنگ، آلمان نازی در اروپا به فتوحاتی دست یافت که استخراج نفت در ایران را رو به کاهش نهاد، چرا که بازارهای فروش نفت به کشورهای شرقی و مناطقی که در آن جنگ نبود محدود شد. با ورود ایتالیا به جنگ، حمل نفت از طریق مدیترانه نیز دچار مشکل شد و لذا صدور نفت ایران بشدت کاهش یافت.

با گسترش جنگ و ورود ژاپن به جنگ جهانی، مناطقی که نفت متفقین را تامین می کرد از اختیار آنها خارج شد و در نتیجه اهمیت نفت ایران برای متفقین به ویژه انگلیس افزایش یافت.

نکته مهم این بود که متفقین سوخت جنگنده ها و ماشین آلات خود در شمال آفریقا را از ایران تامین می کردند و برای این هدف پالایشگاه اختصاصی در آبادان تاسیس گردید و تا سال ۱۳۳۱ ش ظرفیت تولید این پالایشگاه به یک میلیون تن رسید.

دولت انگلیس با افزایش تولید از طرفی و افزایش مالیات بر درآمد از طرف دیگر موجب ضرر ایران شد. در این زمان ۸۰٪ نفت به انگلیس و تنها ۱۴٪ به آمریکا می رسید و آمریکا برای سهم خواهی بیشتر شرکت "موویل" و "سو کونی واکيوم" را وارد جرگه تجارت نفتی ایران نمود.

در این اثنا روسیه نیز استخراج نفت شمال را حق تقدم خود اعلام نمود. هر چند اقدامات روسیه در این زمینه به نتیجه مشخصی نرسید، اما این رقابت ها ادامه داشت. بویژه این که سایه جنگ و بحران تامین انرژی نیز بر حساسیت مسئله افزوده بود.

به هر تقدیر حضور متفقین برای غارت این منبع ملی به جایی رسید که برخی احزاب، نخست وزیر وقت یعنی "ساعد مرآغای" را مورد شتمات قرار داده و به اعطای این امتیازات شدیداً اعتراض کردند. بدنبال این اعتراضات مجلس تصویب نمود که دولت اجازه اعطای امتیاز به هیچ یک از دول بیگانه را ندارد و مجازات سنگینی را برای تخلف از این امر اعلام نمود. این اتفاق آغاز یک تحول جدید در اقتصاد ایران بود که به ملی شدن صنعت نفت ایران انجامید.

انگلیسی ها که منافع بسیاری در ایران و سایر کشورهای منطقه داشتند، با سماجت در برابر خواست های ملی در زمینه نفت مقاومت کردند. همین مسئله کشاکش های سیاسی و حقوقی زیادی را میان دو کشور رقم زد و سرانجام دکتر محمد مصدق، نخست وزیر وقت، موفق شد علی رغم مخالفت های بسیار، قانون ملی شدن صنعت نفت را در ۲۹ اسفند ۱۳۳۰ ش به تصویب مجلس شورای ملی برساند؛ اتفاقی که هر چند دو سه سال بعد با وقوع یک کودتا ناتمام ماند، اما منشاء تحولات بسیاری در ایران و جهان شد. (اسماعیلی _ ۱۳۹۴: یادداشت روز)

۴- فرجام جنگ جهانی دوم و خروج متفقین از خاک ایران

با نزدیک شدن پایان جنگ، انتظار می رفت که نیروهای متفقین طبق قرارداد سه جانبه خاک ایران را ترک کنند، اما در مورد نیروهای شوروی این مسئله به راحتی پیش نرفت، به رغم تسلیم شدن ژاپن پس از آلمان در تابستان ۱۹۴۵ و به رغم اقدام مقدماتی بریتانیایی ها برای خروج از ایران، شوروی چندان تمایل و تحرکی برای خروج کامل نیروهای خود از ایران نداشت.

حضور نیروهای شوروی به خصوص در غرب کشور پشتوانه ای برای شکل گیری حکومت های خودمختار در آذربایجان و کردستان هم شد که دولت مرکزی از ایجاد آن ها نگران بود و بیم داشت که در نهایت این مناطق از ایران جدا شوند.

شکایت دولت ایران به سازمان ملل هم نتوانست شوروی را به خروج نیروهای خود از ایران وادارد. سرانجام تلفیقی از تدابیر دولت احمد قوام که در بهمن ماه ۱۳۳۴ (فوریه ۱۹۴۶) به نخست وزیری رسید، با اولتیموم های غرب سبب شد که شوروی ها خاک ایران را ترک کنند.

قوام که شوروی ها نظر مثبتی نسبت به او داشتند، قول داد که خواست های مسکو از جمله در زمینه امتیاز نفت شمال و همکاری در شیلات را به تصویب مجلسی که بعداً تشکیل می شد برساند. با خروج نیروهای شوروی از ایران، قول و قرار قوام هم روی کاغذ ماند. غرب هم از این بیم داشت که ایران نیز مثل اروپای شرقی به حوزه نفوذ شوروی بدل شود و کشورهای همسایه ایران نیز به مسیر مشابهی کشیده شوند. از این رو، موضوع خروج نیروهای شوروی از مسائل عمده مطرح در کنفرانس های متفقین در سال های آخر جنگ بود. نهایتاً هم آمریکا پیامی تهدیدآمیز برای شوروی فرستاد که تاحدودی در تجدیدنظر مسکو به تداوم ماندن در ایران موثر بود اما نهم دی ۱۳۳۴ نیروهای انگلیسی و امریکایی ۶ ماه پس از پایان جنگ جهانی دوم، خاک ایران را ترک کردند؛ و آرامش و امنیت نسبی به ایران بازگشت.

۵- نتیجه گیری

پس از زبانه کشیدن آتش جنگ جهانی دوم در تاریخ ۹ شهریور ماه ۱۳۱۸ مصادف با اول سپتامبر ۱۹۳۹ ایران بی طرفی خود را اعلام داشت این اقدام ایران واکنش مثبت ابر قدرتها را بدنبال داشت اما دیری نپایید که با یورش آلمان به قلب شوروی و ترس

انگلستان و آمریکا از این اقدام آلمان با شوروی متحد شدند و به یاری او شناختند و ایران را به جهت موقعیت ژئوپلیتیک به جهت کمک به شوروی برگزیدند ورود نیروهای متفق به خاک ایران تبعات زیادی را برای ملت ایران به بار آورد.

در بدو ورود نیروهای شوروی و انگلستان، ترس بر رضاه شاه و ارتش ۱۲۰ هزار نفری او غالب شد و به قم گریخت این اقدام رضا شاه سبب افزایش نفرت مردم نسب به او شد و طولی نکشید به واسطه صلاح دید متفقین در تنگنای استعفا قرار گرفت و ولیعهد جوان او بر تخت سلطنت نشست. جنگ جهانی دوم اقتصاد و صنعت ایران را فلج کرد و مردم ایران را محتاج لقمه ای نان نمود و بسیاری از آنان را آواره و داغدار کرد. کشیده شدن جنگ جهانی دوم به ایران، به رغم آثار زیانبارش این جنبه مثبت را هم داشت که فضای سیاسی کشور هم از انسداد بیرون آمد و حدی از دموکراسی در کشور شکل گرفت. احزاب مختلف شکل گرفتند و رسانه‌ها کم و بیش در انتشار آرا و عقاید آزاد بودند. در چنین فضایی دولتهای بی‌ثبات هم پدیده نادری نبودند. اندکی پس از پایان جنگ جهانی نهضت ملی شدن نفت شکل گرفت که تحولی بی‌سابقه را در مناسبات ایران و بریتانیا در چشم‌انداز داشت؛ اما این نهضت، از جمله به سبب بروز جنگ سرد میان دو قدرت عمده برآمده، از جنگ جهانی دوم به شکست کشیده شد و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مجموع بر معادلات و فضای سیاسی پویا و بازتری که در نتیجه کشیده شدن ایران به بطن جنگ جهانی دوم در این کشور شکل گرفت، نقطه پایان نهاد. از سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ و افتادن ایران به گرداب جنگ جهانی دوم، حالا شاید تنها خاطره همان دموکراسی نیم‌بند در خاطره‌ها مانده و به‌عنوان «بل پیروزی» از آن یاد میشود. ۷۵ سال پس از آن ماجرا که ایران بیش‌ازپیش در تلاطم‌های بین‌المللی وارد شد، همچنان مناسبات این کشور با جهان به توازن و ثباتی نرسیده که خطر جنگ و تهدید و تحریم از آن کاملاً دور باشد و به رشد و توسعه‌ای پایدار و نیز شکل‌گیری یک دموکراسی با چشم‌انداز کمک کند.

منابع

۱. امرایی، شمس الدین ۱۳۹۵، بررسی وضعیت اقتصادی ایران در خلال جنگ جهانی دوم، فصلنامه علمی تخصصی، تابستان ۱۳۹۵
۲. زهیری، ۱۳۷۹، عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، دفتر نشر معارف
۳. ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران، پازنگ
۴. ساعد مراغه‌ای، محمد، (۱۳۵۳)، بحران اقتصادی در سال‌های اشغال ایران، سالنامه دنیا، ش، ۳۰
۵. ملک زاده الهام و حامدی زهرا (۱۳۹۲) جنگ جهانی اول و دوم به روایت اسناد،
۶. تهران کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۷. رحمان مصوی، غلامرضا (۱۳۷۷) خاطرات سیاسی، نظامی، اقتصادی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. آوری، پیتیر (بی تا) تاریخ معاصر ایران از تاسیس سلسله پهلوی تا کودتا، ترجمه
۹. مهدی رفیعی مهرآبادی، تهران.
۱۰. امینی، رضا (۱۳۴۱)، اسناد مهم سیاسی از وقایع شهریور ۱۳۲۰، سالنامه دنیا، شماره ۲۱
۱۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتحی ولیلایی، تهران، نی
۱۲. بولارد، ریدر اسکریبن، کلارمونت (۱۳۶۲)، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو
۱۳. تیراثیان، صفالدین (۱۳۷۱). ایران در اشغال متفقین، تهران: نشر رسا
۱۴. عامری، جواد (۱۳۴۲)، شهریور ۱۳۲۰، سالنامه دنیا، ش ۱۹
۱۵. فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت‌کننده، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا
۱۶. مکی، حسین (۱۳۵۸)، تاریخ بیست ساله ایران، جلد ۸، تهران، امیرکبیر
۱۷. الهی، همایون (۱۳۶۵)، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران، مرکز: نشر دانشگاهی
۱۸. همایون کاتوزیان، محمد علی، (۱۳۸۲)، اقتصادی سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز
۱۹. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران، امیرکبیر، (۱۳۷۷)، صص ۳۹۸-۳۹۷
۲۰. زرگر، علی اصغر، (۱۳۷۲)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه: کاوه بیات، تهران، پروین
۲۱. هنری ویلسون، لیتل فیلد، تاریخ اروپا از ۱۸۱۵ م به بعد، ترجمه: فریده قره‌چهداغی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، صص ۲۴۸-۲۵۰
۲۲. ریچارد استوارت، (۱۳۷۰) در آخرین روزهای رضاشاه، تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، چاپخانه رخ
۲۳. صفاءالدین تیراثیان، (۱۳۷۷) ایران در اشغال متفقین، تهران، رسا